

دوشنبه ۱۸-۱۰-۹۶ (جلسه ۲۸۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم علی أعدائهم أجمعين من الآن إلى قیام يوم الدين

اللهم کن لولیك الحجّة بن الحسن صلواتك علیه وعلی آبائه فی هذه الساعة وفی كلّ ساعة ولیاً

وحافظاً وقائداً وناصراً ودليلاً وعیناً حتی تسکنه أرضک طوعاً وتمتعه فیها طویلاً.

اللهم العن أوّل ظالم ظلم حقّ محمّد وآل محمّد وآخر تابع له علی ذلك اللهم العن العصاة التي

جاهدت الحسين وشایعت وبايعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جميعاً.

السلام علیک یا أبا عبد الله وعلی الارواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله أبدا ما بقيت وبقي

الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منی لزيارتکم، السلام علی الحسين وعلی علیّ بن الحسين وعلی

أولاد الحسين وعلی أصحاب الحسين.

اللهم خصّ أنت أوّل ظالم باللعن منی وابدء به أوّلاً ثم العن الثانی والثالث والرابع اللهم العن يزيد

خامساً والعن عبید الله بن زياد وبن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان

إلی يوم القيامة.

تالی فاسد ترتب ثواب بر امر غیرى

عمده استدلال مرحوم آخوند این بود که در صورت ترتب ثواب بر امر غیرى، لازم می آید کسی

که واجبی نفسی را انجام می دهد که متوقف بر مقدماتی است، ثوابش متعدد باشد و در صورت ترتب

عقاب بر امر غیرى لازم می آید کسی که واجبی نفسی را به همراه مقدماتش ترک کند، عقابهای متعدد

داشته باشد و حال آنکه شبهه ای نیست که موافقت امر نفسی با همه ی مقدماتی که دارد و نیز مخالفت امر نفسی به همراه همه ی مقدماتی که دارد، یک ثواب و یک عقاب بیشتر ندارد.

اشکال مرحوم ایروانی

اگر موضوع ثواب، اطاعت امر نفسی باشد و موضوع عقاب، مخالفت امر نفسی باشد، در این صورت حق با مرحوم آخوند است و بر اطاعت امر نفسی و یا مخالفت امر نفسی با همه ی مقدماتی که دارد، یک ثواب و یک عقاب مترتب می شود ولی حق این است که موضوع ثواب، اداء حق مولویت و تعظیم مولی است و موضوع عقاب، طغیان و تمرد و خروج از زیّ عبودیت است و این ملاک همانطور که در واجب نفسی وجود دارد، در واجب غیری نیز وجود دارد و بنابراین به تعداد مقدماتی که انجام شده و یا ترک شده، بر ثواب و عقاب امر نفسی افزوده می شود. حتی مرحوم آخوند نیز در واقع ملتزم به استحقاق ثواب و عقاب بر امر غیری است زیرا اگر ایشان می پذیرد که در فرضی که امر نفسی متوقف بر مقدماتی باشد بما این که اشقّ می شود، افضل می شود پس باید بپذیرد که موافقت و یا مخالفت امر غیری، ثواب و یا عقاب دارد زیرا این ثواب بیشتر به خاطر اشقیّت است و اشقیّت به خاطر انجام مقدمات است.

ان قلت: به چه دلیل ثواب، دائر مدار تسلیم و اداء حق مولویت است و عقاب، دائر مدار طغیان و تمرد می باشد و دائر مدار اطاعت و مخالفت امر نفسی نمی باشند؟

قلت: حاکم در باب استحقاق ثواب و عقاب، عقل است و عقل می گوید که هر کس که تسلیم مولی بود مستحق ثواب است و هر کس که طغیان بر مولی و هتک مولی کند مستحق عقاب است.

فتلخص مما ذکرنا که در نظر محقق ایروانی موضوع استحقاق ثواب و عقاب، موافقت و مخالفت امر نفسی نیست بلکه اکرام و تعظیم و انجام رسم عبودیت و یا طغیان و هتک مولی است که محقق عراقی

و آقای خوئی و آقای صدر نیز این مطلب را قبول دارند و در مقابل، مرحوم آخوند و من تبع ایشان موضوع ثواب و عقاب را موافقت و مخالفت امر نفسی دانسته اند.

کلام محقق عراقی

مرحوم عراقی نیز مانند محقق ایروانی قائل به استحقاق ثواب و عقاب بر امر غیر شده و می فرماید شاهد بر آن این است که عقلاء، مکلفی را که شروع به انجام مقدمات کرده، مدح می کنند و منتظر به سرانجام رسیدن ذی المقدمه نمی شوند. اما تفاوت کلام ایشان با کلام محقق ایروانی در این است که محقق ایروانی قائل به تعدد عقاب و ثواب شده ولی محقق عراقی، در عین قبول استحقاق ثواب و عقاب در امر غیر، قائل به تعدد ثواب و عقاب نیست و می فرماید تعدد ثواب و عقاب، متوقف بر تعدد تسلیم و یا طغیان است و تعدد تسلیم و طغیان، متوقف بر تعدد غرض مولی است. بنابراین اگر مولی، غرضی واحد داشت، اگر چه آن غرض متوقف بر مقدمات عدیده ای باشد، تسلیم و طغیان واحد است و ثواب و عقابش نیز واحد می گردد و اگر غرض مولی متعدد باشد، ثواب و عقابش متعدد است. پس اگر عبادی شروع به انجام مقدمات می کند و غرض مولی، واحد است یک تسلیم ممتد واقع می شود کما این که در اجزاء مأمور به نفسی و امر ضمنی همینطور است و به محض شروع اولین جزء از مأمور به، تسلیم واحدی شروع می شود که تا آخرین جزء مأمور به امتداد پیدا می کند و الا اگر این مطلب را در اوامر غیر نپذیرید، اتیان اجزاء مأمور به، نقضی بر کلام شماست.

ان قلت: اگر کسی شروع کرد به اتیان مقدمه و لکن حصل له البداء، باید مستحق ثواب باشد زیرا به اتیان مقدمه، تسلیم محقق شده و حال آن که چنین چیزی قابل التزام نیست و کذلک فی جانب الطغیان.

قلت: همانطور که در صورت عجب، عمل حبط می شود و کأنّ اصلاً امتثالی صورت نگرفته است بعد از حصول بداء نیز کأنّ اصلاً تسلیمی واقع نشده است.

اما اگر عبدی شروع به اتیان مقدمات کرد ولی اتیان ذی المقدمه برایش میسر نشد و ناچاراً ذی المقدمه تفویت شد، آیا باز هم استحقاق ثواب دارد؟ و یا اگر شروع به مقدمات حرام کرد ولی قبل از فعل حرام، تمکن از آن فعل حرام پیدا نکرد آیا باز هم استحقاق عقاب دارد؟ محقق عراقی می فرماید در صورتی که قصد امتثال دارد و اتیان مقدمات می کند، به خاطر انقیادش ثواب می برد زیرا تعظیم و تکریم مولی و تسلیم در برابر مولی بودن به انقیاد نیز محقق می شود اگر چه چنین شخصی اصلاً امری نداشته است. همچنین کسی که قصد عصیان دارد و مقدماتش را انجام می دهد ولی تمکن از فعل حرام پیدا نمی کند، متجری است.

کلام آقای صدر

آقای صدر کلامی دارد که ممکن است همان کلام محقق عراقی باشد. ایشان می فرماید ثواب و عقاب ممکن است به دو نحو باشد: یکی به ملک انفعالی و دیگری به ملاک مولی.

ثواب و عقاب به ملاک انفعالی به این معناست که مولی به سبب رسیدن و یا نرسیدن به غرضش خوشحال و یا متألّم شود و ثواب و عقاب به ملاک مولی به معنای ثواب و عقابی است که ناشی از حکم عقل است به اداء حق مولویت و اطاعت به خاطر امری که مولی کرده (اعم از امر نفسی و امر غیری). اما موضوع ثواب و عقاب مولی، ملاک انفعالی است و زمانی ثواب و عقاب مولی ثابت است که برگردد به ملاک انفعالی و غرض مولی. لذا اگر عبدی که انجام مقدمات کرده برای تحصیل ذی المقدمه، برایش بداء حاصل شود و تصمیم به عصیان بگیرد، استحقاق ثواب بر مقدماتی که انجام داده ندارد زیرا اتیان مقدمات زمانی ثواب دارد که متصل به ذی المقدمه و غرض مولی شود و به عباره آخری ثواب بر مقدمه مشروط است به اتیان ذی المقدمه به نحو شرط متأخر.